واکنش جبهه پایداری به یک گزارش

جبهه پایداری انقلاب اسلامی ضمن گرامیداشت ایام شهادت سید شهدای مقاومت شهید حاج قاسم سلیمانی، یار دیرینش ابومهدی المهندس و سایر شهدای فرودگاه بغداد همین‌طور عرض ارادت به ساحت بانوی دو عالم حضرت صدیقه کبری به مناسبت ایام فاطمیه، در پاسخ به درج مطالبی تحت عنوان «رویارویی پایداری‌ها با قالیباف» در شماره ۴۱۸۱ روزنامه شرق به تاریخ سه‌شنبه ۷ دی‌ماه ۱۴۰۰، جهت تنویر افکار عمومی اقدام به صدور جوابیه ذیل می‌نماید؛ لذا انتظار می‌رود روزنامه شرق براساس ماده ۲۳ از قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران نسبت به درج این جوابیه در همان صفحه و ستون در اولین شماره پس از دریافت جوابیه مبادرت ورزد.

لقمه چرب معاویه همراه با نماز عارفانه علی

نقل است که روزی از عمرو بن عاص خواستند تا علت ارادت هم‌زمان خود به امام علی (ع) و معاویه (لعنت الله علیه) را بازگو کند، وی در پاسخ گفت؛ نماز علی (ع) عارفانه‌تر است اما لقمه معاویه چربی بیشتری دارد (نقل به مضمون). روزنامه شرق که حامی جریان فکری دولت قبل است و بارها به مجلس انقلابی یازدهم براساس اغراض سیاسی خود تاخته، حال که فرصت را برای بهره‌برداری سیاسی از اتفاقات اخیر مجلس مناسب دیده است، خود را حامی بخشی از نمایندگان مجلس انقلابی معرفی می‌کند تا علاوه بر تخریب نیروهای خدوم جبهه پایداری به‌عنوان ضلعی از اضلاع مجلس انقلابی بر طبل تفرقه کوفته باشد، درحالی‌که بر کسی پوشیده نیست این رسانه از حامیان کدام تفکر است و نسبتی با هیچ‌یک از جریان‌های انقلابی ندارد. شیوه‌ای که تاریخ اسلام پیش‌تر به خود دیده است اما بصیرت نیروهای انقلابی مانع از تکرار اتفاقات گذشته خواهد شد. متأسفانه رسانه‌هایی مانند شرق با نگاهی صفر و صدی تلاش دارند تا هر چیزی که باب میل خودشان است را مطلوب و آنچه مطابق میلشان نیست را غلط نمایش دهند تا جایی که می‌توان ادعا کرد طی عمر بیش از دوساله مجلس یازدهم طرحی نبود که نمایندگان ملت برای بهبود وضعیت زندگی مردم برای تصویب به صحن ارائه دهند؛ اما رسانه‌هایی مانند شرق به تخریب آن نپردازند. ریاست محترم مجلس یازدهم و نمایندگان انقلابی آن بارها مورد هجمه نادرست این رسانه‌ها قرار گرفته‌اند و بررسی عملکرد شرق، شائبه سیاست‌بازان و بودن روند فعالیت این رسانه را به ذهن متبادر می‌کند.

گزارشی که مصادره به مطلوب شد

روزنامه شرق در ادامه گزارش مغرضانه خود از انتشار نامه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی خطاب به رئیس کمیسیون مشترک اصل ۸۵ بررسی طرح حمایت از حقوق کاربران سخن به میان می‌آورد، جالب است که این روزنامه بدون اشاره به نام فردی خاص بدون احترام به فهم مخاطب خود ادعا می‌کند که براساس ادعای یکی از موافقان طرح، حمایت از حقوق کاربران در فضای مجازی، این طرح در دوره ریاست سابق مرکز پژوهش‌های مجلس بدون مشورت بازوی کارشناسی مرکز تصویب شده است! اما نامه فعلی را کارشناسان مرکز تنظیم کرده‌اند. به نظر می‌رسد صحت این ادعا بیش از آنکه بر واقعیت منطبق باشد به هم‌خوانی نامه منتشرشده با اغراض این رسانه وابسته است. این جریده پس از طرح ادعاهای خلاف واقع خود، بررسی بیشتر طرح در کمیسیون و دریافت نظر مشورتی دولت را برهانی بر همراهی اغلب نمایندگان با مردم و مخالفت با جبهه پایداری می‌داند! درحالی‌که بارها پیش و بعد از تصویب بررسی طرح حمایت از حقوق کاربران در فضای مجازی توسط اعضای شورای مرکزی جبهه، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و متولیان امر اعلام شد که رأی‌گیری انجام‌شده صرفا برای تعیین نحوه بررسی طرح بود و با توجه به تغییرات پرسرعت فضای مجازی و پیچیدگی‌های آن با استفاده از نظرات دولت، کارشناسان و... تغییراتی در متن نهایی طرح اتفاق خواهد افتاد، حال موضوعی که پیش‌ازاین نیز اعلام شده بود توسط روزنامه شرق به نحوی روایت می‌شود که گویی اتفاق جدیدی روی داده است!

شورای نگهبان در بهارستان نیست

درباره نامه مرکز پژوهش‌ها به ریاست کمیسیون مشترک ذکر این نکته نیز ضروری به نظر می‌رسد که همچنان این انتقاد به این مرکز وارد است که خارج از حدود اختیارات خود اعلام نظر کرده است. براساس قانون نقش این مرکز صرفا مشورتی می‌باشد و نباید به عرصه اعلام نظر ماهوی ورود پیدا کند. اگر مغایرتی نیز با قانون اساسی در متن احصا می‌شود، وظیفه مرکز پژوهش‌ها صرفا اعلام نظر مشورتی خود به نمایندگان است، رد یا تأیید قانون و کلیات یک قانون مختص به شورای محترم نگهبان است که اگر بعد از تصویب ایرادی به طرح وارد باشد، مغایرت را اعلام خواهد کرد تا در مجلس اصلاح شود؛ بنابراین نفس این عمل توسط مرکز پژوهش‌ها صحیح نبود، در صورت وجود مغایرت احتمالی نیز، بعد از اعلام شورای نگهبان، قانون باید مانند سایر لوایح و قوانین در رفت‌وبرگشت بین مجلس و شورای اسلامی اصلاح شود.

جبهه پایداری در کنار مردم است

برخلاف ادعای روزنامه شرق، جبهه پایداری انقلاب اسلامی، بنایی برای رویارویی با مردم، نقض حریم شخصی یا حقوق عمومی آنها ندارد، بالعکس به دنبال استیفای حقوق آنها از فضای مجازی است. اینکه پلتفرم خارجی بدون مجوز، بدون اراده مالک تلفن همراه برنامه‌ای از گوشی وی حذف می‌کند، پست‌های وی در شبکه‌های اجتماعی را حذف می‌کند، اطلاعات فرد را ذخیره می‌کند، محتوای دارای مفاهیم انقلابی را در حین پخش قطع می‌کند، بسیار ساده می‌تواند طی چند دقیقه دسترسی تمام کاربران ایرانی به صفحات مجازی در پلتفرم‌های خارجی را قطع کند و... به طور دقیق این روزنامه از کدام حقوق شهروندی و حریم شخصی صحبت می‌کند؟!

جبهه پایداری به طور دقیق تلاش دارد تا این حقوق پایمال‌شده ملت را استیفا کند تا بار دیگر پلتفرمی آمریکایی خودسرانه از تلفن‌های ایرانیان برنامه‌ای را حذف نکند، میلیون‌ها پست در حمایت از سردار دل‌ها را حذف نکند، آن هم درحالی‌که پست‌های زیادی مغایر اخلاق در پلتفرم‌های آمریکایی وجود دارد، کسب‌وکارهای اینترنتی توسط برنامک‌های آمریکایی تهدید نشود تا هر زمان اراده کردند به آنها ضربه اساسی وارد کنند، به رسمیت شناخته‌شدن مواردی مانند پرداخت حق تولید ترافیک، ایجاد شرایط برابر (الزام به دریافت مجوز، احراز هویت، پرداخت حق ترافیک و...) برای پلتفرم‌های ایرانی و خارجی از نقاط قوت این طرح است که مطمئنا با اعمال تغییرات کارشناسی دولت و بازوی پژوهشی مجلس در وهله بعد پررنگ‌تر نیز خواهد شد.

معنای حقوق شهروندی و حریم خصوصی در هیچ نقطه‌ای از جهان ولنگاری و بی‌قانونی مانند شرایط فعلی فضای مجازی کشور نیست، در تمام کشورهای مترقی جهان قوانین به‌روز و گسترده‌ای برای تنظیم‌گری در فضای مجازی وجود دارد، پایش محتوا براساس ضوابط فرهنگی کشورها، رعایت اصول تولید محتوا برای کودک و نوجوان، احراز هویت، دریافت مالیات از سرویس‌های خارجی و مشخص‌بودن نمایندگان این پلتفرم‌ها در کشور مقصد از بدیهی‌ترین حقوق حاکمیت در فضای سایبر است که هیچ کشوری آن را نادیده نمی‌گیرد؛ درحالی‌که پلتفرم‌های خارجی بیشترین فیلترینگ‌ها و مسدودسازی‌ها علیه محتوای ایرانی-اسلامی را اعمال می‌کنند، روزنامه شرق، نگرانی از باب انتشار گسترده محتوای تروریستی، مواد مخدر، قاچاق انسان و اسلحه، محتوای غیراخلاقی و خلاف عفت عمومی را تندروی می‌داند!

توصیه می‌کنیم این روزنامه رویه‌ای متفاوت از رئیس دولت باب میل خود (یازدهم و دوازدهم) در پیش بگیرد و برخلاف وی که برای تخریب منتقدان خود به استفاده از برچسب‌هایی مانند تندرو استفاده می‌کرد، شیوه نقد منصفانه را بیاموزد. اگر این رسانه واقعا منافع ملی را مهم می‌داند باید خط‌مشی متفاوتی در پیش بگیرد، رهاکردن فضای کشور برای تسلط بیگانه نامش آزادی نیست. همان‌طور که کشیدن دیوار به دور کشور مطلوب نیست، ارتباط با کشورهای مختلف در فضای حقیقی و مجازی باید وجود داشته باشد اما به شرط آنکه طرف خارجی در هر دو فضا حق حاکمیت ایران را به رسمیت بشناسد. در نهایت امیدواریم این روزنامه با اصلاح رویه نادرست خود و دست‌کشیدن از توهین‌های متعدد و برچسب‌زنی به نیروهای انقلاب بدون اتکا به تفکر اقتدا به کدخدا برای اعتلای ایران اسلامی تلاش کند.

حسن روحانی جعبه سیاه نظام است

ادامه از صفحه ۲

اما گفته شد که آقای روحانی، وزیر را به خاطر انتخاب شما توبیخ کردند.

نه، من آدم مستقلی هستم و اگر آقای روحانی می‌گفت که این مسئولیت را بپذیر یا نپذیر، من باز کار خودم را می‌کردم. آقای روحانی در جریان موضوع نبودند. شناخت من و آقای رحمانی به زمانی برمی‌گردد که او رئیس کمیسیون صنایع مجلس بود. آقای روحانی کسی را توبیخ نکرد.

برویم سراغ خود آقای روحانی، ایشان الان کجا هستند؟

شخصیت آقای روحانی این‌گونه نیست که در کنجی بنشیند و در خلوت خود باشد. ایشان همیشه در نظام بودند و در سیستم جزء چند نفر اول بودند. الان هم بیشتر وقت خود را به کارهای مطالعاتی و پژوهشی می‌گذراند و خاطرات خود را می‌نویسد. جلسات روزانه هفتگی خودشان را هم دارند و البته وقت بیشتری را برای خانواده صرف می‌کند.

حال و هوای آقای روحانی بعد از تحویل ریاست‌جمهوری در مرداد ماه چگونه بود؟

ایشان به گونه‌ای هستند که خوشحالی یا ناراحتی خود را بروز نمی‌دهند؛ چون بالاخره کارکشته سیاست هستند؛ اما فشارها از روی او برداشته شد و من این را در چهره آقای روحانی احساس کردم.

این روزها بیشتر آقای روحانی را می‌بینید؟

روحیه من به این صورت است که قبل از اینکه جایی بروم، اطلاع می‌دهم. این‌گونه نیست که من هر روز ایشان را ببینم اما هفته‌ای یک بار به دیدارشان می‌رویم.

از طرف شما نوه دارند؟

نه.

این موضوع که آقای روحانی دیر به دفترشان می‌رفتند یا اخلاق‌های خاصی دارند، چقدر صحت دارد؟

اینها را من هم قبل از اینکه داماد ایشان بشوم شنیده بودم؛ جالب آنکه یکی از افرادی که در امر ازدواج به من کمک می‌کرد هم از من پرسید واقعا حاج آقا ساعت ۱۰ سر کار می‌رود؟ که گفتم چیزی که من دیدم ایشان بین هفت و ربع تا هفت و نیم سر کار می‌رفتند. قبل از آن هم باید تیم حفاظت آماده می‌شد و آقای روحانی هم اخلاقشان این‌گونه نبود که آنها را معطل کند و سعی داشتند که نهایتا قبل از ساعت هفت و نیم آماده باشند و به دفترشان بروند. اکنون اگر از برخی جوانان هم بخواهیم ساعت هفت و نیم سر کار باشند قبول نمی‌کنند اما ایشان با این سن صبح به دفتر خود می‌رفتند. اهل کوه‌رفتن هم هستند و برخی روزها می‌دیدیم که از پنج صبح بیدار هستند، به کوه می‌رفتند و ساعت شش و نیم نیز صبحانه خود را خورده آماده رفتن به محل کار بودند. آقای روحانی خیلی اهل خواب نیستند و این حرف‌ها از اساس غلط است.

اهل فوتبال هم هستند؟

به شنا علاقه دارند. فوتبال‌های ملی را هم دنبال می‌کنند.

طرفدار استقلال یا پرسپولیس نیستند؟

نه، این‌گونه نیست که متعصب باشند اما بازی‌های ملی همه ورزش‌ها را دنبال می‌کنند و علاقه دارند.

آقای روحانی خیلی هم به لباس و ظاهر خودشان اهمیت می‌دهند.

بله، ایشان پرستیژ خودشان را دارند و همیشه حریم بین اشخاص را حفظ می‌کنند حتی با اعضای خانواده.

آقای روحانی، خیلی هم جدی هستند. این جدی‌بودن هم جزء پرستیژ اوست یا در خانه به گونه دیگری است؟

آقای دکتر روحانی کلا آدمی جدی است، البته خیلی مهربان و دلسوز هستند. بارها شده که از موضوعی ناراحت بودم و ایشان هم حتما می‌پرسیدند که دلیل آن چیست اما اینکه خیلی صمیمی باشند در کاراکتر شخصیتی آقای روحانی نیست.

خیلی هم حاضرجواب هستند و این را در مناظره‌های انتخاباتی دیدیم.

به هر حال ایشان شیخ دیپلمات هستند و از خصوصیات دیپلمات این است که در لحظه پاسخ طرف مقابل را بدهد.

ولی آقای روحانی در مناظره سال ۹۲ چنان رقیب را زدند که دیگر نتوانست رئیس‌جمهور شود.

آن هم فضای انتخابات بود و این هم بالاخره یک هنری است و هر کسی این هنر را ندارد.

در زندگی شخصی هم این‌گونه حاضرجواب هستند؟

بله، کلا ایشان انسان صریحی است.

حتما دیده‌اید که با مدل خنده‌های آقای روحانی در فضای مجازی خیلی شوخی می‌شود، در جریان این شوخی‌ها هستند؟

بله، خودشان هم دنبال می‌کنند و در فضای مجازی فعال هستند. آزادی بیان همین است.

پس چرا مانند سابق در توییتر فعال نیستند؟

آقای دکتر به این اعتقاد دارند که وقتی یک شخص در یک پروسه زمانی مسئولیتی را بر عهده می‌گیرد، بعد از آن نباید بگم‌بگم راه بیندازد. آقای روحانی به اعتقاد بنده آیت‌الله هاشمی دنیادیده است.

یعنی آقای هاشمی دنیا را ندیده بود؟

نه، به این معنی که آقای روحانی خارج از کشور تحصیل کرده است و بیشتر در فرنگ بوده‌اند. همچنین در بحث مسائل دیپلماسی و روابط بین‌الملل خیلی بیشتر از آیت‌الله هاشمی به کشورهای دیگر سفر کردند و به‌همین‌دلیل آقای روحانی بیشتر دنیا را دیدند. به هر حال آقای روحانی جعبه سیاه نظام است، ایشان مدت‌ها نفر دوم کشور بودند و همیشه منافع ملی برای او مطرح بوده است. اکنون هم کشور را فرد دیگری اداره می‌کند و آقای روحانی در حوزه دیگری مشغول هستند و مسائل را دنبال می‌کنند.

اما این‌گونه استنباط می‌شود که آقای روحانی سکوت کرده‌اند چون در این چند ماه مسائلی رخ داده و هجمه‌های زیادی به دولت ایشان شده است ولی واکنشی ندارند. این سکوت خودخواسته است یا از جایی از او خواسته‌اند که سکوت کند؟

هیچ‌کس به آقای روحانی نگفته که ساکت باشد و چنین چیزی هم امکان ندارد. آقای روحانی در هشت سالی که رئیس‌جمهور بودند یک چهره مناسب از ایران در دنیا ترسیم کردند و اجماع جهانی علیه ایران را از بین بردند، هم به قدرت نظامی توجه کردند و هم به قدرت اقتصادی و بحث‌های معیشتی. ایشان تعادلی را در این زمینه‌ها حاکم کردند. روحانی یک کار بزرگ انجام داد که در تاریخ ماندگار شد و آن خارج‌کردن پرونده ایران از فصل ۷ شورای امنیت بود، سخنان اولاند در سال ۲۰۱۳ را کامل گوش دهید.

شما خبر دارید آقای روحانی درباره مذاکرات جدیدی که در حال انجام است چه نظری دارند؟

دوستان شاید نخواهند اسمی از برجام ببرند اما همه می‌دانند که این مذاکرات هم ادامه راهی است که آقای روحانی در دولت خود ترسیم کردند. به هر حال آمریکا رئیس روابط عمومی دنیاست... .

به قول آقای روحانی کدخداست.

حالا من مصداق کدخدا را در اینجا به کار نمی‌برم ولی رئیس روابط عمومی دنیاست و با غول‌های اطلاع‌رسانی که دارد ایران‌هراسی راه می‌اندازد اما آقای روحانی و تیم مذاکره این را شکستند. ما باید قدر سرمایه‌های خود را بدانیم. آقای دکتر صالحی سرمایه این کشور است و در MIT درس خوانده است، الان مدیران ما کجا درس خوانده‌اند. آقای عراقچی، آقای ظریف و آقای لاریجانی سرمایه نظام هستند. جایگاه شورای نگهبان محترم است اما به لحاظ مصداق و تشخیص موارد نقدی جدی داریم. اتفاقی که برای آقای لاریجانی افتاد و او را ردصلاحیت کردند اصلا مناسب نبود، اینکه دایره نظام هر روز تنگ‌تر شود، اتفاق خوبی نیست و خطرناک است. عده‌ای جلوتر از رهبری حرکت می‌کنند، باید جلوی این کار گرفته شود.

آقای روحانی چند روز پیش با مقام معظم رهبری دیدار داشتند؟

بله، دیدم که برخی سایت‌ها که من اسم «خناسان» روی آنها گذاشته‌ام، نوشته‌اند که اصلا جلسه خوبی نبوده است. بیان این سخنان توهین به جامعه روحانیت است. همچنین در شبکه‌های مجازی دیدم که آقای سلیمی‌نمین صحبت‌هایی درباره این دیدار مطرح کرده بودند که خیلی خنده‌دار بود. اتفاقا دیدار آقای روحانی و مقام معظم رهبری جلسه‌ای بسیار صمیمی بوده است. دکتر روحانی زمانی هم که رئیس دولت بودند هر هفته خدمت ایشان می‌رسیدند و گزارش می‌دادند. جلسه اخیر هم بیشتر از یک ساعت بوده و در یک فضای صمیمی و دوستانه برگزار شده است. به هر حال دوستی و ارتباط آقای روحانی و مقام معظم رهبری به سال‌ها قبل برمی‌گردد و اینجا اعلام می‌کنم که این دوستی ادامه‌دار خواهد بود. تمام احکام آقای روحانی را مقام معظم رهبری داده‌اند و این دو نفر ارتباطشان همیشه صمیمی بوده است اما برخی خناسان در دور دوم ریاست‌جمهوری تلاش کردند این ارتباط را خراب کنند ولی موفق نشدند و نخواهند شد.

گفته می‌شود که آقای روحانی در این جلسه گلایه‌هایی داشته‌اند.

اصلا چنین مسائلی مطرح نشده، آقای روحانی مرد گلایه نیستند که بروند و از شخصی گلایه کنند. یک دیدار خیلی خوب و برای احوال‌پرسی بوده و مثل همیشه درباره مسائل کلان کشور نیز صحبت شده است، آن هم با احترامی که آقای روحانی به‌عنوان یک پدر برای مقام معظم رهبری قائل هستند. دیدار خیلی خوبی هم بوده است. آن مراسمی که دوم آبان برگزار شد و مسئولان به مناسبت کنفرانس وحدت اسلامی به حسینیه امام خمینی رفته بودند، مقام معظم رهبری از آقای روحانی دعوت کرده بودند که حضور پیدا کنند. هر وقت هم در خانه جمع می‌شویم، ایشان از خاطرات خوب خود با مقام معظم رهبری و مرحوم هاشمی و امام تعریف می‌کنند.

در این مدت آقای روحانی با دیگر بزرگان مثل آقای خاتمی هم دیدار داشتند؟

بله، جلساتی داشتند، تا آنجا که می‌دانم با آقای لاریجانی و سیدحسن خمینی دیدار داشتند. درباره آقای خاتمی و آقای ناطق‌نوری اطلاع ندارم که جلسه داشتند یا نه اما افراد مختلف از همه طیف‌ها به دیدار او می‌آیند و درِ دفتر آقای روحانی همیشه باز است.

با اعضای دولتشان مثل آقای جهانگیری و آقای ظریف همچنان جلسه دارند؟

بله، حدود دو هفته پیش با آقای جهانگیری جلسه داشتند و با اعضای کابینه نیز هر هفته به صورت انفرادی و گروهی دیدار دارند. به هر حال این‌گونه نیست که آقای روحانی خانه‌نشین شده باشد و مثلا آشپزی بکنند، ایشان یک فرد سیاسی هستند و دوست دارند که این جلسات هم ادامه داشته باشد. به این نکته نیز توجه داشته باشید که اندیشه اعتدال حذف‌شدنی نیست و هیچ‌کس هم نمی‌تواند اعتدال را حذف کند.

بسیاری از افرادی که به آقای روحانی رأی دادند از خیلی از عملکردهای او راضی نیستند و می‌گویند مطالباتی مثل گشایش‌های سیاسی و رفع حصر اتفاق نیفتاد، فکر می‌کنید چرا این‌گونه نشد؟

شرایطی که آقای روحانی کشور را تحویل گرفت، شرایط خاصی بود. بحث ایران‌هراسی و تحریم وجود داشت اما تیم دیپلماسی کار را عزتمندانه به سرانجام رساندند. سؤال من این است اگر برجام بد است، چرا دوستان از آن بیرون نمی‌آیند؟ آتش‌زدن آن را هم که بلد هستند. به این نکته توجه کنید، هم‌اکنون در دولت آقای رئیسی، پنج رئیس‌جمهور وجود دارد و همه آنها می‌گفتند اگر ما انتخاب شویم تحول ایجاد می‌کنیم اما اکنون می‌بینیم حتی قیمت مرغ هم پایین نیامده است. با فیلم‌بازی‌کردن و نمایش نمی‌توان کشور را اداره کرد. مگر همین دوستان نمی‌گفتند در زمان آقای صالحی در رآکتور هسته‌ای سیمان ریختند، پس چرا یکباره این سیمان‌ها از بین رفت؟ مگر چنین چیزی می‌شود؟ اینها بی‌اخلاقی‌هایی بود که در زمان دولت آقای روحانی انجام شد. متأسفانه یکی از معضلات کشور ما چاپلوسی و تملق‌گویی است که به کشور آسیب رسانده است.

قبول دارید اتفاقاتی که در آبان ۹۸ بعد از گرانی بنزین افتاد یا حرف آقای روحانی که گفت من هم صبح جمعه از گران‌شدن بنزین خبردار شدم، مردم را از روحانی دلسرد کرد؟

من اگر چیزی بگویم خواهند گفت که چون داماد آقای روحانی است چنین حرفی را زد، اما زمان نشان خواهد داد که عملکرد ایشان چگونه بوده است. در زمینه بنزین به نظر بنده نحوه عملیاتی‌شدن و اطلاع‌رسانی می‌توانست خیلی بهتر باشد. مردم امسال شرایط کنونی را دیدند و سال بعد هم شرایط را خواهند دید. من همیشه با آقای روحانی واقع‌بینانه صحبت کرده‌ام و انتقاد هم کرده‌ام، در روزنامه شما یادداشتی نوشتم که دولت نه واعظی توانمند دارد و نه افراد آشنا به سیاست. من هیچ وقت به ایشان نگفتم که دولت شما خیلی گل و بلبل کار می‌کند، من از بین مردم رفتم و داماد آقای روحانی شدم و مشکلات را هم به ایشان منتقل می‌کردم. مثلا درمورد جوان‌گرایی همیشه با آقای روحانی بحث داشتم و می‌گفتم دیگر این چهره‌های تکراری بس است. در همه دولت‌ها جوانان ابزار انتخاباتی شده‌اند یعنی واقعا به جز این چهره‌های تکراری افراد دیگری نداریم؟ جانشین‌پروری در کشور ما فراموش شده است. الان یک فضای خالی بزرگ مدیریتی وجود دارد، قانون بازنشستگی را خیلی‌ها با گرفتن مجوز دور زدند. خیلی‌ها از جوانان می‌ترسند چون نگران هستند جای آنها را بگیرند.

اما آقای روحانی هم هیچ‌گاه از وزیر زن استفاده نکرد... .

البته در سمت معاون رئیس‌جمهور، سفیر یا فرماندار از چند خانم استفاده کردند ولی قبول دارم که مطلوب نبود، به خود آقای روحانی هم این را گفتم که حداقل باید دو یا سه زن وزیر در کابینه باشد. الان هم در دولت جدید چنین چیزی را نمی‌بینید. اکنون همه مشاوران که باید تجربه داشته باشند و تصمیم‌سازی کنند جوان هستند اما ۶۰ساله و ۷۰ساله‌ها در کار اجرائی هستند درصورتی‌که باید این اتفاق برعکس باشد. کشور در شرایط خاصی است و باید آن را حفظ کنیم و قدر بزرگان و زحمتکشان نظام را بدانیم. ما نباید کیهانی فکر و عمل کنیم البته منظورم روزنامه کیهان نیست (با خنده). برخی چنان تیتر می‌زنند که انگار در این کشور زندگی نمی‌کنند اما باید واقعیت‌ها را ببینیم. ما در این سال‌ها پیشرفت‌های خوبی داشتیم، ضعف‌های زیادی هم داشتیم. یکی از کارهای خوبی که آقای روحانی انجام داد بحث شفافیت بود. شما تحصیلات کابینه ایشان را با دیگر کابینه‌ها مقایسه کنید، سطح دانش و بینش آنها بسیار بالا بود و خیلی از آنها جایزه بین‌المللی گرفته بودند. البته ضعف‌های زیادی هم بود، مثلا من به آقای روحانی گفتم که فلان شخص گزینه خوبی برای وزارت نیست چون مردم‌دار نیست و از بالا با مردم صحبت می‌کند. من همیشه نقدهای خودم را به ایشان مطرح کردم و ساعت‌ها درباره مسائل سیاسی و اقتصادی و بین‌المللی بحث می‌کردیم.

البته شنیده‌ام که آقای روحانی خیلی مشورت‌پذیر نیستند... .

نه، این‌گونه هم نیست. به هر حال برای برخی افراد سخت است که نظری به آنها قبولانده شود. سخت است که آقای روحانی تصمیمی گرفته باشند و نظرشان عوض شود، البته نمی‌گویم که نظرشان هیچ وقت عوض نشود اما باید با شواهد و مدارک کافی او را توجیه کرد. همیشه هم به نظرات گوش می‌کنند و پذیرا هستند.

به هر حال فضا برای خیلی از جوانان تنگ شده و مهاجرت زیاد شده است، باجناق شما هم سال‌هاست که در خارج از کشور زندگی می‌کند، شما قصد مهاجرت ندارید؟

البته ایشان برای کار پزشکی از کشور رفته‌اند. من شخصا ایران را دوست دارم و دلم نمی‌خواهد مهاجرت کنم.

قطعا آنها هم که رفتند ایران را دوست داشتند اما شرایط مجبورشان کرده... .

بله، ممکن است شخصی در شرایط قرار بگیرد که دوست داشته باشد مهاجرت کند و در آن طرف موفق بوده است اما من می‌خواهم اگر مهاجرتی هم باشد برای تحصیل باشد یعنی بروم و برگردم. من وقتی در مسابقات جهانی شرکت می‌کردم و مدالی می‌گرفتم، کشورهای دیگر می‌گفتند طرح را به ما بده و در دانشگاه‌های ما تحصیل کن اما من نخواستم طرح کشورم را بفروشم. حتی دو نفر از دوستانم که با هم آنجا بودیم و نیاز مالی داشتند با من قهر کردند و رفتند. شما در ابتدا بحث دامادسالاری را مطرح کردید، به هر حال هر فردی داماد یک نفر می‌شود، اینکه می‌بینید این موضوع با واکنش منفی مواجه می‌شود به خاطر ریشه اجتماعی دیگری است که بحث‌های معیشتی و فرهنگی است که بعضا ضعف‌هایی وجود داشته و حالا مردم اعتراض خود را این‌گونه بیان می‌کنند وگرنه مردم همه دامادها را که نمی‌شناسند. بنده موقعی که ازدواج کردم ۳۲ سال داشتم و با پول این مملکت درس خوانده و مدال گرفته بودم اما چون داماد آقای روحانی هستم باید خانه‌نشین شوم؟ این تفکر غلطی است و این تفکر هم غلط است که هر فردی که داماد شد باید سمت بگیرد و باید این دیدگاه اصلاح شود. من اگر روزی رئیس‌جمهور شوم به تخصص افراد نگاه می‌کنم، البته این را مثال زدم فردا نگویند که فلانی می‌خواهد رئیس‌جمهور شود. ما باید پیشینه جوانان را هم بیشتر ببینیم نه اینکه بگوییم فقط داماد فلان فرد خاص است. در زمان دولت قبل می‌گفتند که مهدی‌زاده داماد آقای روحانی است و نباید باشد الان هم در دولت جدید می‌گویند مهدی‌زاده داماد روحانی است و با تفکر ما نمی‌خواند پس نباید باشد. من می‌گویم باید «اعتلاطلب» باشیم نه اصلاح‌طلب یا اصولگرا. من واقعا اهل هیچ حزب و گروهی نیستم و تقسیم‌بندی‌های سیاسی که زمان انتخابات کرکره را بالا می‌دهند و فسیل‌های سیاسی بیرون می‌آیند، قبول ندارم. نزدیک انتخابات برخی دوستان می‌گفتند مردم ایران قابل پیش‌بینی نیستند و امیدواریم آقای همتی رأی بیاورند و هشت روز دیگر جشن پیروزی می‌گیریم، همین نشان می‌دهد که نمی‌دانیم در کشور چه می‌گذرد و این نگاه یعنی از مردم فاصله گرفته‌ایم که باید به آن توجه داشته باشیم. من هیچ‌گاه محافظه‌کاری نکرده و حرف خودم را زده‌ام، اتفاقا بعد از چاپ مطلب «دولت نه واعظی توانمند دارد...» خیلی‌ها با من بد شدند اما روی آن حرفم همچنان هستم و اعتقاد دارم رئیس دفتر رئیس‌جمهور باید سپر بلای رئیس‌جمهور باشد نه اینکه کاری کند که به رئیس‌جمهور ضربه بخورد. نه اینکه ضد اصلاح‌طلبان و اصولگرایان مصاحبه کند و برای رئیس‌جمهور چالش ایجاد کند. من این‌گونه مسائل را به آقای روحانی انتقال می‌دادم و می‌گفتم این حرف‌ها را کابینه شما زده است. به هر حال من از متن جامعه آمده بودم و همین باعث شده بود که برخی دوست نداشته باشند من با آقای روحانی رابطه داشته باشم و به دفتر ایشان بیایم و واقعا نقطه ضعف بزرگ دولت آقای روحانی بحث اطلاع‌رسانی بود. البته این را هم بگویم که آقای روحانی واقعا رئیس‌جمهور بدشانسی بود و فقط آتشفشان قله دماوند در دوره ایشان فعال نشد وگرنه هر اتفاقی که تصور کنیم در این مدت افتاد.

شما رأی دادید؟

بله، تنها راه تغییر، صندوق رأی است. اتفاقاتی که برای آقای لاریجانی، جهانگیری و پزشکیان افتاد خیلی تلخ بود و باید جلوی آن گرفته شود. ما نباید دایره نظام را کوچک کنیم، خیلی‌ها از دیدار روحانی با مقام معظم رهبری ناراحت شدند و انگار به ضرر آنها بود در صورتی که این دیدار به نفع سیستم و نظام است.

از آقای حسین فریدون برادر آقای روحانی خبر دارید؟ الان کجا هستند؟

من یک نکته درباره این داستان‌ها که رخ داد بگویم؛ خط قرمز آقای روحانی کابینه و اطرافیانش نبود. ایشان گفت هر شخصی، حتی اگر پسر، برادر و دامادم خطایی کردند با آنها برخورد کنید و این را هم در عمل نشان داد. خط قرمز آقای روحانی منافع ملی بود نه منافع شخصی و خانوادگی. من اطلاعی از آقای فریدون ندارم چون با ایشان در ارتباط نیستم.

عکس: سهند تاکی، شرق

آقای روحانی مرد گلایه نیستند که بروند نزد مقام معظم رهبری و از شخصی گلایه کنند. این دیدار خیلی خوب و برای احوال‌پرسی بوده و مثل همیشه درباره مسائل کلان کشور نیز صحبت شده است، آن هم با احترامی که آقای روحانی به‌عنوان یک پدر برای مقام معظم رهبری قائل هستند. دیدار خیلی خوبی هم بوده است